

دکتر ابوالفضل عزتی

کتاب و کتابخانه در فرهنگ اسلامی

به اندازه کافی تجربه اندوختند.

از آن جا که کتاب در اسلام به عنوان معجزه معرفی شده بود و پیروان ادیان آسمانی دیگر بخاطر « اهل کتاب » بودن مورد احترام بودند مسلمانان از ابتدا برای کتاب احترام خاصی قائل شدند و کتاب و کتابخانه‌های موجود در سرزمین‌هایی که بتصرف مسلمین درآمد مورد توجه قرار گرفته و با سرعت از آن‌ها استفاده شد. درحقیقت آنچه موجب علاقه شدید مسلمین به گسترش کتاب و کتابداری بود موجب توجه و علاقه آنان به کتاب و کتابخانه‌هایی که در سرزمین‌های مختلف که بتصرف مسلمین درآمده بود گردید و آنان را بحفظ و نگهداری و استفاده از کتاب وامی‌داشت. در مورد اتهامی که در مورد نابودکردن کتاب و کتابخانه به مسلمین نسبت داده شده است بعداً در مورد خود صحبت خواهد شد. آنچه مسلم است آنست که این اتهام باروح علمی و علاقه مسلمین به علم و وسایل علمی سازگار نیست. مسلمانان از ابتدا به کتاب با دیده احترام می‌نگریستند؛ جاحظ ابو عثمان عمرو بن بحر (۷۷۵ - ۸۶۸) اولین کسی است که در اسلام در مورد تعلیم و تربیت و معلم مطالبی به رشته تحریر درآورده است و نیز اولین کسی می‌باشد که در کتاب خود [الحیوان] (۵) در مورد ارزش کتاب و کتابخانه بصورت مدون و منظم مطالبی ایراد نموده و در موارد متعدد درباره اهمیت کتاب یادآوری کرده است. پس از وی دانشمندان دیگر هر یک بنوبه خود در مورد کتاب و کتابخانه مطالبی بیان داشته‌اند و در مواردی مصاحبت کتاب را بر مجالست امرا و حکام برتر دانسته‌اند. (۶)

به همین جهت بود که کتاب و کتابخانه با سرعت در اسلام ارزش واقعی خود را کسب نمود. در مورد اولین کسی که کتابت را در اسلام آغاز نمود اولین تالیفی که در اسلام صورت گرفت مطالب فراوان است. مسلم آنست که قرآن اولین کتابی بود که از آن نسخه‌های متعدد تهیه و معمولاً در مساجد گردآوری می‌شد. گویا نسخه قرآن برای اولین بار در مسجدالنبی در مدینه نگهداری شد. ابن‌الدینم در (الفهرست) نقل می‌کند که اولین قرآن بخط خالد بن ابی‌الهیاج که باخط طلا نوشته شده بود در قبله مسجدالنبی نگهداری می‌شد (۷). بااین ترتیب همانطور که مسجد اولین محل تعلیم و تربیت در اسلام بود اولین محل نگهداری کتاب نیز بود. محتماً اولین کتابخانه در معنی اصطلاحی در اواسط قرن اول هجری در اسلام بوجود آمدند یعنی همزمان با عصری که نهضت ترجمه در زمان خالد بن یزید بن معاویه مشهور به حکیم آل مروان آغاز شد. زیرا برای ترجمه لازم بود ابتدا کتابهای مختلف جمع‌آوری و تهیه شود؛ این جملگی در طبقات‌الاطباء نقل می‌کند که عمرو بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱) کتاب اهرن بن امین‌القس

علاقه اسلام را نسبت به کتابت، کتاب و کتابخانه، مانند سایر وسایل آموزشی، می‌توان در درجه اول معلول ارزش فراوانی که نبی و سنت اسلامی نسبت به علم و تعلیم و تعلم قائل شده است دانست. بهر صورت مسئله کتاب، کتابت و قلم خود مستقلاً نیز مورد توجه نصوص اسلامی (قرآن و سنت) قرار گرفته است: کلمه کتاب و قلم در قرآن مگر با یکبار رفته است. معرفی قرآن به عنوان کتاب آسمانی و معجزه پیامبر بیان‌کننده اهمیت است که اسلام برای کتاب و کتابخانه قائل است زیرا برخلاف سایر پیامبران، مثلاً مانند موسی که معجزه‌اش خارق‌عادات طبیعی بود و یا مانند عیسی که معجزه‌اش مثلاً شفای مرضی و مانند آن بود، محمد کتاب را به عنوان معجزه خود معرفی نمود.

بهر صورت قلم و کتاب و کتابت در قرآن و همین‌طور اهمیت فراوان است. اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شد درباره ارزش قلم است. در سوره بقره، اولین سوره، توجه پیامبر را به این مطلب جلب می‌کند و استعداد بشر را در مورد آموزش کتبی با جمله « علم بالقلم » (۱) می‌ستاید و بدینوسیله با اعطای آن بر بشر منت می‌نهد. در جای دیگر بعنوان نمونه به قلم و آنچه از خامه قلم بوجود می‌آید سوگند یاد می‌کند و از این راه اهمیت قلم و کتاب را یادآور می‌شود « و القلم و ما یسطرون » (۲) و یک سوره در قرآن به بیان ارزش قلم اختصاص داده شده است و بنام سوره قلم نامیده شده است.

احادیث فراوانی نیز در اهمیت قلم آمده است که بنا بر عبارات مختلف ارزش آن را بیان داشته‌اند در حدیثی آمده است « امداد العلماء افضل من دماء الشهداء » (۳) و از این راه مرکب قلم دانشمندان برتر از خون شهدا شناخته شده است (۴). با توجه با ارزش عمومی علم و تعلیم و تعلم در اسلام و با توجه به ارزش وسایل تربیتی و تعلیمی در اسلام بود که کتاب و کتابخانه در اسلام با سرعت تاسیس و گسترش یافت پس از گسترش اسلام در قرن اول هجری سه نوع کتابخانه در سه قسمت مختلف جزء قلمرو اسلامی گردید:

- ۱- کتابخانه‌های مصر مانند کتابخانه اسکندریه.
 - ۲- کتابخانه‌های بین‌النهرین و سوریه در مراکز علمی نصیبین، حران و رها، قنسرين و دیگر مراکز.
 - ۳- کتابخانه‌های ایران مانند کتابخانه چندیشاپور و غیره.
- مسلمانان ابتدا از این کتابخانه‌ها قسمتی از منابع خود را برای ترجمه و نقل به زبان عربی بدست آوردند و بوسیله این کتابخانه‌ها با کتابداری آشنا شدند و از دانشمندان مراکز علمی در این مناطق برای آشنائی با کتاب و کتابداری استفاده نمودند تا این که خود در این راه

را که يك طبيب مشهور در زمان مروان بن الحكم (۶۴ - ۶۵ هـ . متوفی)
بعربی ترجمه نموده بود در کتابخانه اموی یافت و پس از مشورت لازم امر
به انتشار آن نمود (۸) . این داستان به خوبی نشان می‌دهد که قبل از
عمر بن عبدالعزیز کتابخانه اموی تاسیس شده بود و با احتمال قوی این
کتابخانه در زمان مروان بن الحكم و خالد بن یزید بن معاویه تاسیس شده بود .
ابن الندیم خود نقل می‌کند که در شهری در نزدیکی انبار در عراق
به کتابخانه‌ای دست یافت که کتب آن به خط امام حسن و امام حسین بود و
پیمان‌نامه‌هایی بخط پیامبر و علی (ع) در آن وجود داشت (۹) . ابن‌الندیم
خود اواخر قرن چهارم هجری وفات یافت و نقل این داستان بوسیله وی
نهایتا دلالت بر وجود این کتابخانه تا زمان حیات وی می‌نماید ولی مسلما
داستان حاکی از وجود تعداد زیادی کتاب در زمان امام حسن و حسین
است و طبعا این کتب در محلی نگهداری می‌شده‌اند و کتابخانه‌ای وجود
داشته است . گفته شده است که عروه بن زبیر (متوفی به سال ۷۱۲ م)
برادر عبدالله بن زبیر داعی خلافت نیز دارای مجموعه‌ای از کتب بود (۱۰) .

شاگرد وی محمد بن مسلم الزهری (متوفی ۱۲۴ هـ) نیز دارای مجموعه
کتابی بود (کتابخانه) . بنابراین محتلا مجموعه‌های کتاب (کتابخانه) در
اواسط قرن اول هجری در اسلام متعدد بود . مسلم آن است که قرن اول
هجری از نظر شروع ترجمه ، جمع‌آوری کتب ، قرآن ، سنت نبوی ،
پیدایش کتابخانه‌های شخصی و امور مربوط به تاسیس و توسعه کتاب و
کتابخانه در اسلام دارای اهمیت فراوان است ؛ گفته شده است که
عبدالحمک الجعفی در مکه در نیمه اول قرن اول هجری مجموعه‌ای شخصی
از کتاب فراهم نموده بود (۱۱) . بعلاوه همین نهضت علمی اسلامی و توجه
نصوص مختلف به کتابت ، قلم ، کتاب و کتابخانه بود که علمای اسلامی
وامرا و حکام علاقه خاص وسیعی نسبت به جمع‌آوری کتب و تاسیس
کتابخانه مبطل داشتند و این امر با سرعت بی‌سابقه در اسلام پیشرفت
نمود . در موارد متعدد حکام و امرا افرادی را مأمور جمع‌آوری و خرید
کتاب می‌کردند و برای این کار افرادی را به نقاط مختلف اعزام
می‌داشتند . گفته شده است که هرور الرشید خلفه عباسی سزاف فتح و
تصرف سرزمین‌های جدید در موقع تنظیم و عقد قرارداد صلح شرط می‌نمود
که کتابهای موجود و لازم را ضبط و نگهداری نماید و این موضوع مخصوصا
در تصرف قسمتهایی از سرزمین‌های تحت سلطه امپراطوری روم مورد توجه
بود و رومیها نیز بعلاوه جاهل به کتب و عدم علاقه به فرهنگ و تعلیم و تعلم
این شرط را به آسانی می‌پذیرفتند (۱۲) . گفته شده است که هرور الرشید
و مأمون اصولا بعضی از جنگها را به خاطر دست‌یافتن به کتاب و کتابخانه‌ها
آغاز می‌نمودند (۱۳) . براون Brown از وینتکتون Winton
نقل می‌کند که « فعالیت عجیب علمی مسلمین در حیرت‌انگیز بودن کتبات
فتوحات حیرت‌بخش آنان نبود » . قیصر روم (بیزانس) تعجب شد و فنی
که دید از جمله شروط صلحی که وحشیان غالب (مقصود مسلمین است)
بهررمیان تحمیل کردند حق جمع‌آوری و خرید نسخه‌های کتاب یونانی بود
و از این که يك نسخه مصور کتاب ویفوریوس بهترین هدیه به يك امیر
مسلم بود (۱۴) .

بین مأمون و امپراطور روم و پادشاهان مناطق دیگر مکاتبی در مورد
جمع‌آوری کتاب صورت می‌گرفت . پس از مکاتبه با امپراطور روم و موافقت
امپراطور بانقل کتابهای امپراطوری خود به قلمرو اسلام ، مأمون حجاج بن
مضر ، و ابن‌البطریق و سلم و دیگران را برای حمل کتاب نزد وی اعزام
داشت (۱۵) . گفته شده است که یحیی بن خالد از عباسیان نامه‌ای را همراه با
جماعتی نزد امپراطور روم ارسال داشت و مقدار زیادی کتاب از آنجا به قلمرو
اسلام منتقل نمود (۱۶) . گفته شده است که مأمون افرادی را نزد حاکم
صقلیه (سیسیل) و قبرس بمنظور جمع‌آوری کتب اعزام کرد (۱۷) . بازگفته
شده است که چنین بن اسحق مترجم مشهور زمان مأمون نیز به ماموریت‌هایی
بمنظور جمع‌آوری کتاب در سرزمین‌های امپراطوری روم از طرف مأمون اعزام
شد . یوحنا بن‌البطریق نیز ماموریت‌هایی را برای جمع‌آوری کتاب
انجام داد (۱۸) .

تنها رشید و مأمون و حکام و امرا نبودند که به جمع‌آوری کتاب
و تشکیل کتابخانه علاقمند بودند توسعه علم و تعلیم و تعلم در اسلام بعدی
بود که همه به جمع‌آوری کتاب علاقمند شدند .

الحاکم دوم نیز بمنقل ابن‌خلدون عده‌ای را برای جمع‌آوری و
خرید کتاب به مناطق مختلف اعزام داشت . الکندی اولین فیلسوف عرب
نیز در جمع‌آوری کتاب اهتمام فراوان داشت . اصولا علاقه به کتاب و
کتابخانه موجب آن شده که بزرگترین کتابخانه شخصی در عالم اسلام بوجود
آید . وزراء ، علماء و فلاسفه و ثروتمندان کتابخانه‌های شخصی تشکیل
می‌دادند : ابن‌عمید وزیر و شاگرد وی اسماعیل بن عیاد وزیر
دانشمند معروف دارای کتابخانه‌های معتبری بودند ، گفته شده است علت
شهرت صاحب‌بن‌عباده (صاحب) آن بود که وی همواره در مسافرتها
کتابخانه بزرگی را که ده شتر آن را حمل می‌نمود مصاحب و همراه خود
داشت (۱۹) و بل دورانت معتقد است که در کتابخانه صاحب‌بن‌عباده اندازه
تمام کتابهای اروپای آن زمان کتاب وجود داشت (۲۰) . عده وزراء و
دانشمندی که دارای کتابخانه‌های معتبر بزرگ شخصی بودند فراوان است
و نمی‌توان در اینجا حتی نمونه‌هایی از این کتابخانه‌ها را در سرزمین‌های
مختلف اسلامی بیان داشت .

علاقه به کتاب و کتابخانه بعلاوه توجه به علم و کتاب از طرف عامه
به اندازه‌ای است که بصورت وسیله‌ای برای فقر و خوندنمائی درآمد و به این
جهت ثروتمندان بی‌سواد نیز برای خود کتابخانه شخصی فراهم می‌کردند
و عویا کتاب و کتابخانه قسمتی از خانه‌های شخصی را تشکیل می‌داد ؛
مقری از حضرمی نقل می‌کند که مدتی در جستجوی کتابی در بازار
کتابفروشان قرطبه انتظار کشیدم و تحقیق نمودم تا آن که نسخه‌ای از آن
را بخط زیبا باقیم و پیش نهاد خرید آن را دادم . کتاب به حراج گذاشته
شد و حراج‌گر بعلاوه وجود شخصی که خریدار آن بود قیمت آن را به بیش
از قیمت واقعی اعلام داشت . از وی خواستم تا مرا با آن
خریدار آشنا کند . وی را مردی با لباس فاخر یافتم . به او گفتم اگر
واقعا به این کتاب احتیاج داری من از تقاضای خود منصرف خواهم شد
تا تو آنرا بقیمت مناسب خریداری کنی . وی پاسخ داد من فقیه نیستم
و از محتویات کتاب نیز اطلاعی ندارم . ولی کتابخانه شخصی تاسیس نمودم
که در بین کتابخانه‌های اعیان شهر منفرد و منحصر بفرد است . در
کتابخانه من جای خالی برای کتابی به اندازه این کتاب وجود دارد و چون
این کتاب را زیبا و باجلد و خطی بسیار نیکو باقیم مایل بخرد آن شدم
و زیادی قیمت آن برای من اهمیتی ندارد (۲۱) .

رقم کتب کتابخانه‌های شخصی گاهی به دهها هزار می‌رسید و افراد
صدها هزار درهم (سیصد هزار درهم در موردی) برای تهیه کتابخانه
شخصی مصرف می‌کردند (۲۲) .

بعلاوه توجه فوق‌العاده اسلام ، مسلمانان و دانشمندان به کتاب
و کتابخانه بود که با تمام مشکلات موجود کتابها با سرعت از منطقه‌ای در
جهان اسلام به منطقه دیگر منتقل می‌گشتند ؛ گفته شده است که کرمانی
یکی از دانشمندان آندلس به شرق اسلامی سفر نمود و در مراجعت به آندلس
کتاب [رسائل] اخوان الصفا را با خود به آندلس برد (۲۳) کتاب [القانون
فی الطب] ابن‌سینا در قرن پنجم هجری بوسیله یکی از تجار از عراق
به آندلس برده شد و ابوالعلاء بن زهر بر آن دست یافت (۲۴) ابن‌الندیم نقل
می‌کند که نسخه‌ای از کتاب [العین] خلیل بن احمد که بوسیله یکی از
کتابفروشان خراسان در سال ۲۴۸ هـ . به بصره منتقل شده بود به پنجاه
دینار به فروش رفت (۲۵) .

مجددا بهمین علت بود که هدیه کتاب در عالم اسلامی بسیار
متداول شد . جریان هدیه کتاب به صورت‌های مختلف صورت می‌گرفت ؛
الف - تقدیم کتاب به حکام ، وزرا و امرا و بزرگان به این معنی که مؤلفین
کتابهای خود را به نام آنان به رشته تحریر درمی‌آوردند . این جریان تا زمان
معاصر نیز در عالم اسلام رواج داشت . بنابراین ذکر حتی نمونه‌هایی از
نگارش کتاب به نام حکام ، بنام وزرا و امرا در خود گنجایش این کتاب
نیست ؛ اصولا این مطلب از نظر تاریخی روشن‌تر از آن است که درباره
آن قلم‌فرسایی شود . به بصورت نمونه‌هایی از این موضوع را می‌توان
در نگارش مثلا شاهنامه بوسیله فردوسی بنام سلطان محمود غزنوی و امثال
آن یافت . در مواردی اصولا کتاب به نام شخصی که بوی هدیه شده بود
شهرت می‌یافت مانند کتاب [القانون المسعودی] تالیف ابوریحان بیرونی
به نام سلطان مسعود غزنوی . این جریان بیانگر این حقیقت است که

شده بود و
د احترام
ند و کتب
رآمد مورد
ن چه موجب
به و علاقه
ف مسلمین
ای داشت .
بین نسبت
مسلم است
سل علمی
گریستند ؛
در اسلام در
ست و نیز
ارزش کتاب
در متعدد
تشمندان
داشته‌اند
حکام برار

سلام ارزش
اسلام آغاز
ت . مسلم
به و معمولا
سجدالنبی
که اولین
در قبله
چند اولین
نیز بود .
هجری در
دین یزید بن
لازم بود
فقات الاطباء
امین القس

بهترین افتخار برای حکام و وزراء و امراء انتساب آنان به کتاب و یا انتساب کتاب به آنان بوده است. نمونه‌های نوشتن کتاب به نام دیگران و حتی تسمیه آن به نام بزرگان فراوان است. ب. هدیة کتاب به عنوان پیشکش و تحفه: جاحظ [الکتاب] سیبویه را به عنوان تحفه به محمد ابن عبدالملک زیات وزیر معتصم (۲۶)، عمیدی قاضی قزوینی کتابهایی به صاحب بن عباد، پدر ابن ابی اصیبه کتاب [طبقات الاطباء] ابن ابی اصیبه (فرزند خود را) به امین الدوله وزیر حاکم دمشق در اواخر ابویسین هدیة نمود (۲۷) و چنین بود که هدیة کتاب بین مردم علاقمند به آن در سطح وسیع متداول گردید و این جریانی بود که از قرن سوم هجری متداول بود.

بلط توسعه علم و تعلیم در سطح وسیع در اسلام بود که تالیف و نشر کتاب هنرها و مشاغل مربوط به آن سرعت و وسعت یافت، خطاطی بصورت هنر اصیل اسلامی درآمد و از قرن اول جنبه تزیینی پیدا کرد و خطاطی باب طبع از پایان قرن اول بوجود آمد (۲۸) از آنجا که انتشار کتاب تنها از راه کتابت و استنساخ صورت می‌گرفت خطاطی و استنساخ بصورت شغل درآمد و عده‌ای را بخود مشغول نمود. اشتغال به کتابت و استنساخ از زمان پیامبر آغاز شد (کتابت وحی و کتاب وحی هر چند بدون اجرت بود) و در زمان علی (ع) بصورت شغل با اجرت درآمد (۲۹).

خرید و فروش کتاب نیز به زودی از مشاغل محترم گردید و کتابفروشی در سطح وسیعی بصورت تجارت درآمد و تجار برای تهیه نسخه‌های نادر و گران قیمت مسافرت می‌نمودند. بهمین علت بود که یک طبقه بزرگ تاجر به نام [وراقون] پیدا شدند که کار آنان تهیه کاتب، کتاب، کتابت، صحافی و خرید و فروش کتاب بود و این طبقه سهم شایانی در انتشار معارف اسلامی داشتند. اهمیت کتابفروشی از نظر علمی به حدی گردید که مراکز کتابفروشی قسمتی از بازار شهرها را تشکیل می‌دادند و کتابفروشیها مرکز تجمع و ملاقات دانشمندان و در بسیاری موارد محل مطالعه و بررسی کتاب بودند. شغل و رفاهی و کتابفروشی پس از اختراع و انتشار کاغذ در جهان اسلام رواج یافت و این امر مختل در اراذل عباسیان و زمان رشید و مامون عباسی صورت گرفت و در سطح فوق‌العاده وسیعی گسترش یافت.

موضوع اختراع کاغذ و دست یافتن مسلمانان بر آن و شیوع و انتشار آن در قسمتهای مختلف جهان اسلام محتاج به بررسی جداگانه است. آنچه در اینجا درصدد اشاره بآن می‌باشیم آن است که شغل کتابفروشی از مشاغل محترم گردید و حتی علما و دانشمندان بزرگ مانند ابن‌الدیم (۳۰) به آن اشتغال ورزیدند و دکان‌های کتابفروشی موزنی برای تبادل نقلی علمی، تحقیق در کتاب، مولف و جرح و تعدیل مسائل علمی شد. اشتغال دانشمندان بزرگ اسلامی به شغل کتابفروشی که نمونه‌های فراوانی از آنرا می‌توان بدست آورد بیانگر این مطلب است.

ارزش علمی و معنوی کتاب موجب شد که کتاب از نظر بولی و قیمت نیز دارای ارزش فراوان شود. البته مصاحف مذهب باجدهای فوق‌العاده نفیس بسیار گران تمام می‌شدند ولی خرید و فروش مصاحف چندان متداول نبود. کتب علمی گاهی بصورت فوق‌العاده نفیسی خطاطی و صحافی می‌شدند. ولی معمولاً قیمت کتاب بستگی به محتویات آن داشت. گفته شده است که «عبدالله ابن احمد طباطبائی الحسینی کتابی به ابی بکر الطحاوی هدیة نمود که قیمت آن یک هزار دینار بود» (۳۱) و این قیمت مربوط به کتابی است که در قرن چهارم هجری هدیة شد. معمولاً نسخه‌هایی که بخط خود مؤلف بود بلط اعتبار علمی دارای ارزش فراوان می‌گردید. ارزش قیمت کتاب در جامعه اسلامی گاهی به حدی می‌رسید که مجبور می‌شدند کتابی را به حراج بگذارند. بعلاوه مسئله کتاب و کتابخانه به اندازه‌ای مورد توجه جهان اسلام قرار گرفت که عده‌ای از دانشمندان درصدد آن برآمدند که فهرست کتابهای موجود را تهیه و برای اطلاع جامعه علمی منتشر نمایند و از این راه محققین را با آخرین تحقیقات و تالیفات جهان اسلام آشنا نمایند. کتابهای [الفهرست] نوشته ابن‌الدیم، احصاء العلوم، نوشته فارابی، مفاتیح العلوم، خوارزمی، حدائق الاسرار فی حقایق الاسرار اثر فخرالدین رازی،

کشف‌الظنون، اثر حاجی خلیفه و ده‌ها کتاب‌های فهرست که در این زمینه نوشته شده است بیانگر این حقیقت است.

وقف کتاب

یکی از نکات جالب توجه در جهان علمی اسلام در مورد کتاب آن بود که به کتاب به عنوان وسیله علمی لازم برای اهل علم نگریسته می‌شد و به اینجهت حبس کتاب و جلوگیری از استفاده از آن از ابتدا در اسلام بسیار ناپسند بود. احادیث فراوانی وجود دارد که حکایت از زشتی حبس کتاب و حتی حرمت حبس قرآن می‌نماید. این موضوع سبب شده که افراد بمجرد احساسی احتمال حبس کتاب از راه وقف آن بر مجامع علمی عمومی کتاب را در معرض استفاده عموم قرار می‌دادند. در زمان حیات خود پیامبر نیز قسمت‌های مختلف قرآن که بر اشیاء متفرق نوشته می‌شد در مسجد ضبط می‌گردید تا شاید بدینوسیله در معرض استفاده عموم قرار گیرد. قبلاً یادآوری شد که خالد بن ابی‌الهیاج قرآنی به خط زبیا و با آب طلا نوشت و آن را در قبله مسجدالتی برای استفاده عامه قرارداد و این جریان مربوط به اواسط قرن اول هجری است (۳۲) با این ترتیب وقف کتاب بر مجامع عمومی از همان صدر اسلام متداول گشت و چون اولین مجمع عمومی در اسلام، مانند اولین مرکز تعلیم و تعلم، مسجد بود بنابراین در ابتدا قرآن‌ها و سپس کتب بر مساجد وقف می‌گشت پس از آن که مساجد رسماً بصورت مراکز تعلیم و تربیت درآمد وقف کتب بر مساجد توسعه بیشتری یافت. با توسعه وقف کتب بر مساجد بلط عدم گنجایش مساجد و جلوگیری از اتلاف کتب محل‌هایی برای نگهداری کتب در جوار و یا در داخل مساجد ساخته می‌شد و سپس رسم بر آن شد که کتابخانه‌هایی با مساجد ساخته شود و مساجد بزرگ در هنگام بنا دارای کتابخانه اختصاصی می‌شدند. این موضوع تا زمان معاصر نیز ادامه یافته است و البته در مورد مشاهد متبرکه نیز صدق می‌نماید. کتابخانه‌های مساجد جامع بنی‌امیه در دمشق، مدینه و مکه و مساجد بزرگ دیگر بر همین اساس بوجود آمد و کتابخانه‌های استان قدس رضوی و نجف اشرف و سایر مشاهد متبرکه نیز نمونه‌های دیگری از همین رسم می‌باشند. کتابخانه‌های معتبر مساجد در زمان حاضر پیش از آن است که در اینجا بیان شود. کتابخانه مسجد اعظم قم که اخیراً بوسیله مرحوم آیت‌الله بروجردی (حاج آقا حسین) بانبای مسجد اعظم تاسیس شد نمونه کتابخانه‌های معتبر مساجد در زمان معاصر می‌باشد.

علت تاسیس کتابخانه در جوار مساجد، علاوه بر توجیه تاریخی، آنست که عبادت و علم در اسلام از یکدیگر تجزیه نشده‌اند. طلب علم بهترین عبادت است و تفکر یک ساعت برتر از عبادت صد سال است و اصولاً تفکر و تعلیم و تعلم جز عبادت و بهترین نوع آن چیزی نیست (۳۳) جریان وقف کتب بر مساجد پس از آن که مساجد علاوه بر محصل عبادت مرکزیت علمی نیز کسب نمودند و بعنوان محل تعلیم و تعلم شناخته شدند توسعه بیشتری پیدا کرد: دانشگاه فلی الازهر در ابتدای بنای آن به عنوان جامع الازهر تاسیس گردید و همچنین جوامع قرطبه، طلیطله، غرویین و زیتونه و کتابخانه‌های بزرگی که در این مراکز وجود دارد بیشتر از راه وقف کتاب رشد و نمو نموده است. تاریخ کتاب و کتابخانه در اسلام شاهد وقف کتب بسیار و بیدایش کتابخانه‌های بزرگ از این راه می‌باشد. ابن جوزی (متوفی ۵۹۷) می‌گوید که در فهرست کتب موقوفه مدرسه نظامیه بغداد شش هزار کتاب ذکر شده بود (۳۴). مسعودی نویسنده و مورخ معروف و صاحب کتاب تاریخ مشهور پس از وفات خود در سال ۵۸۴ کتابخانه خود را بر خاندان سمساطیه در شام وقف نمود (۳۵). گویا رسم بر آن بود که دانشمندان و بزرگان کتب خود را پس از وفات وقف می‌کردند همچنانکه صاحب ابن عباد کتابخانه شخصی خود را که بار چهارصد شتر بود بر کتابخانه شهری وقف نمود (۳۶/۳۷). اصولاً از آنجا که وقف کتاب در اسلام یکی از پر ثواب‌ترین کارها است وقف کتاب بر کتابخانه‌های عمومی موجب گسترش بی‌سابقه بعضی کتابخانه‌های عمومی در اسلام گردید. نه تنها وقف کتاب در اسلام متداول بود بلکه وقف مال بر اداره کتابخانه نیز امری کاملاً مرسوم بود: ابن‌خلدون مورخ معروف نسخه‌ای از کتاب مشهور

این زمینه
کتاب آن
می‌شد و
در اسلام
شکی
حسب
دکه افراد
می‌عو
خودبیا
در مسج
اد گیرد
آب طلا
اد و این
قیب وقف
ن اولین
شد بود
پس از آن
بر مساجد
تجایش
در چوار
بخانه‌های
تاب‌خانه
فته است
خانه‌های
دیگر بر
ف اشرف
باشند
در اینجا
آیت‌الله
نونه
تاریخی،
طلب علم
مال است
یست (۲۳)
عبادت
شدند
سای آن
لطیله ،
بود دارد
و کتابخانه
این راه
موقفه
نویسنده
سال ۵۸۴
نویا رسم
می‌کردند
صد شتر
ف کتاب
ی عمومی
نه‌تها
انه نیز
مشهور

خود مقدمه [کتاب العبر و دیوان المبتداء والخبر فرایام العرب والعجم
والبربر و من عناصرهم من ذوی السلطان الاکبر] را وقف کتابخانه مسجد
جامع قیروان نمود (۲۸) . جبرئیل ابن عبیدالله بن بختیشوع نسخه‌ای از
کتاب خود را [الکافی] به دارالعلم بغداد وقف کرد (۲۹) . با این ترتیب
می‌توان قضاوت نمود که مؤلفین نسخه‌ای از کتب خود را ، وقف کتابخانه‌های
عمومی می‌کردند . یاقوت حموی صاحب کتاب معجم الادباء و معجم البلدان
کتابهای خود را وقف مسجد زیدی در بغداد نمود .

می‌توان گفت یکی از علل مهم گسترش کتاب و کتابخانه در اسلام
وقف کتاب بر کتابخانه بود . این موضوع سبب شده که تعداد کتابهای بعضی
کتابخانه‌های عمومی در اسلام به رقم‌های فوق‌العاده بالا برسد . از این که
لنا کتب موقوفه صاحبین عباد ، که بار چهارصد شتر بود ، تنها قسمتی
از کتابخانه شهری را تشکیل می‌داد می‌توان حدس زد که مجموع کتب این
کتابخانه را رقمی بزرگ تشکیل می‌داده و همچنین از قول ابن جوزی
(متوفی ۵۹۷) که تنها کتب موقوفه نظامیه بغداد را شش هزار نقل
نموده می‌توان به عظمت آن مرکز پی برد . المیز خلیفه فاطمی مصر و فرزند
المعز بانی و پایه‌گذار دانشگاه الازهر کتابخانه الازهر را تاسیس نمود که
بعدا از نظر کمیت و کیفیت یکی از مهمترین کتابخانه‌های دنیا گردید .
در یک قسمت از کتابخانه فاطمیان (که مجموعا دارای چهل خزانه بود)
در قسمت کتب بیمارستان بیش از یکصد هزار کتاب وجود داشت (۴۰) .
در یکی از کتابخانه‌های فاطمیان مصر تنها ۱۲۰ نسخه از کتاب تاریخ
طبری وجود داشت و بنا بنقل مقریزی ششصد هزار کتاب در
آن موجود بود (۴۱) . ابن خلدون از قول ابن حزم نقل می‌کند که کتابخانه
بنی مروان در اندلس تنها دارای چهل و چهار فهرست بود که در فهرست
بیست ورق وجود داشت که تنها شامل اسامی دیوانها بود (۴۲) . گفته
شده است که در کتابخانه‌ای که بوسیله الحاکم ثانی خلیفه اندلس تاسیس
شد چهار صد هزار کتاب موجود بود (۴۳) همچنین در کتابخانه
بنی‌عمر در طرابلس در شام سیصد هزار کتاب وجود داشت که تنها هشت
هزار نسخه کتاب تفسیر در آن موجود بود (۴۴) . تنها در روز افتتاح
کتابخانه مدرسه مستنصریه در بغداد که در اوائل قرن هفتم هجری ساخته
شد یکصد و شصت باربر به‌خجل کتاب به‌آنجا اشتغال داشتند (۴۵) بعضی‌ها
تعداد کتبی را که در روز افتتاح به‌آنجا حمل شد هشتاد هزار نقل
نموده‌اند (۴۶) . در دایره‌المعارف اسلامی فنسک چاپ لیدن (۱۹۰۹ -
۱۹۲۸) (ج ۲ ص ۲۶۹) آمده‌است که تنها تعداد کتب کتابخانه بیمارستان
فلادون در قاهره در حدود یکصد هزار جلد کتاب بود .

آنچه در این‌جا در مورد آمار کتب کتابخانه‌ها بیان شد تنها
نمونه‌هایی بود که بطور اتفاقی انتخاب شدند تا بدینوسیله برآوردی اجمالی
نسبت به توسعه کتابخانه در اسلام بعمل آید و ازین راه آرزوی کتاب و
کتابخانه در تعلیم و تربیت اسلامی روشن شود . ذکر دقیق و مفصل آمار
کتابهای کتابخانه‌هایی که در سرتاسر جهان اسلام در قرون و ادوار مختلف
پراکنده بوده است از تجلیش هر کتابی خارج است . فهرستهای این
کتب و کتابخانه‌ها خود مجموعه‌های مفصلی را تشکیل داده است . اینک
با توجه به اهمیت کتاب ، کتابت ، کتابخانه ، علم ، تعلیم ، تعلم و مراکز
علمی در اسلام می‌توان به‌کذب بعضی شایعات پی برد . لازم است یادآور
شود که بعضی از مستشرقین برای استنساخ خسارات علمی فاحشی که اروپا و مسیحیت
به اسلام در جنگ‌های صلیبی (۴۷) و در اسپانیا وارد آوردند (۴۸) مسلمانان
را به سوزاندن کتابخانه اسکندریه متهم نموده‌اند . ولی این اتهام حتی
بوسیله بعضی از خود مستشرقین نیز مردود شناخته شده‌است (۴۹)
مهمترین دلیل‌هایی که این اتهام را طرد می‌نماید عبارت است از :

۱- این اتهام برای اولین بار پس از پانصمصد و نود سال از فتح
مصر عنوان شد . اولین کسی که این مطلب را عنوان نمود عبداللطیف
بغدادی مورخ معاصر صلاح‌الدین ایوبی در کتاب الموعظه و الاعتیار بود و
مورخین دیگر چون قفطی مؤلف تاریخ الحکماء و ابن‌العبری (ابوالفرج)
مؤلف تاریخ الدول این مطلب را گرفته و به‌نقل آن پرداخته‌اند .

۲- داستان سوختن کتابخانه اسکندریه حاکی است که چهار هزار
حمام اسکندریه را مدت شش ماه با این کتابها سوزاندند . وجود چهار
هزار حمام در اسکندریه و وجود تعداد کافی کتاب در کتابخانه اسکندریه

برای گرم کردن این حمامها بمدت شش ماه هر دو تنها می‌تواند داستان
باشد نه حقیقت .

۳- کتب قبل از اسلام و همچنین کتابهای کتابخانه اسکندریه از
سنگ ورق بودند و قابلیت سوختن نداشتند .

۴- در داستان آمده است که پس از فتح اسکندریه در ۶۴۲ م
یونانی‌نحوی یکی از علما و منطقیون (۵۰) حوزه اسکندریه نزد عمرو بن العاص
فاتح اسکندریه آمد و از وی اجازه استفاده از کتب کتابخانه را نمود و
بنابراین عمرو بن العاص از خلیفه عمر در مدینه در این مورد استفسار کرد
تا آخر

یحیی نحوی که نام یونانی وی فیلیپوتوس بود مدتها قبل از فتح
مصر وفات کرده بود و در آن زمان وجود خارجی نداشت زیرا در قید
حیات نبود (۵۱) .

۵- اگر این کتابخانه بدست مسلمانان سوخته شده بود مورخین
اسلامی به آن کتابها دست نمی‌یافتند و مثلا ابن‌الندیم نمی‌توانست تصدات
زیادی از این کتابها را در الفهرست نام برد (۵۲) . بسیاری از مورخان
اسلامی متفق‌القولند که در عصر یونانی متاخر در اسکندریه مقدار زیادی
از جوامع کتابهای طبی مانند مجموعه‌ی از شانزده کتاب از آثار جالینوس
(ستم‌عشر) و بعضی از کتب بقراط ترتیب یافت که نام آنها را ابن‌الندیم
والقفطی و ابن ابی‌اصیبیه آورده‌اند . هر یک از این جوامع کتاب واحدی
شمرده می‌شد و همه آنها برای متعلمین ترتیب می‌یافت این مطلب تقریبا
مورد اتفاق دانشمندان است که اولین کتابهایی که به‌عربی ترجمه شد از
کتب کتابخانه اسکندریه و اولین مترجم به‌زبان عربی دانشمند مصروف
اصطفان اسکندرانی از حوزه اسکندریه بود (۵۳) و تعداد کتبی که از
حوزه اسکندریه به عربی ترجمه شد و به جهان اسلام راه یافت متعدد
است .

۶- مورخین قرون صدر اسلام از این داستان چیزی نگفته‌اند
در صورتی که اگر این حادثه اتفاق افتاده بود مورخین قرن هفتم آن را
یادآور می‌شدند .

۷- در موقع محاصره و تسلیم اسکندریه فرمان‌روای آن‌جا عهدنامه‌ای
را با فاتحین مسلمان امضاء نمود که براساس آن سکنه اسکندریه حق
داشتند در مدت یازده ماه از تاریخ انعقاد قرارداد تا ورود فاتحین به اسکندریه حق
نقل و انتقال اموال خود را از اسکندریه داشته باشند و بنابراین می‌توانستند
در این مدت کتابخانه را بجای دیگر منتقل نمایند .

۸- داستان سوختن کتابخانه اسکندریه شباهت فراوان به داستان
سوختن کتابخانه فارسی در ایران دارد و از آن‌جاکه این داستان نیز بشو به
خود از مجملات است معمول بودن داستان سوزاندن کتابخانه اسکندریه
و تزیین می‌نماید (۵۴) .

۹- حوزه اسکندریه تا یکصد سال پس از اسلام به فعالیت خود
ادامه داد و این ادامه فعالیت علمی حکایت از استمرار فعالیت این
حوزه در دوره اسلامی دارد و نشان می‌دهد که نه‌تنها مسلمانان حوزه علمی
اسکندریه را نابود نمودند بلکه این مراکز علمی مورد توجه نیز بود .

۱۰- عدم توافق و هماهنگی این داستان با روح علمی اسلام که
همواره به کتاب ، کتابخانه ، علم و علما احترام می‌گذارد . بررسی مختصر
قرآن نشان می‌دهد که توجه به علم و علما و تعلیم و تعلم مورد
توجه و ناکید خاص بوده است و همچنین بررسی احادیث
و اصول سنت اسلام حکایت از توجه عمیق ، مستمر ، و وسیع اسلام به علم
و عالم و تعلیم و تعلم دارد . این روح هرگز نمی‌توانست اجازه دهد که
مسلمانان با کتاب و کتابخانه همان رفتاری را نمایند که مثلا مقول با عالم
اسلام و یا مسیحیت با اسلام و علوم اسلامی در اسپانیا نمود (۵۵) .

از آن چه گفته شد می‌توان استفاده نمود که یکسلسله شایعات و
اتهامات از انواع مختلف بعد از قرن ششم هجری و پس از شکست صلیبیون
در جنگهای صلیبی و آتشزدن کتابخانه‌ها و پس از غروب اسلام در اندلس
و ایران شدن مراکز علمی ، مساجد و کتابخانه‌ها بدست مسیحیان نسبت
به اسلام رواج یافت که از جمله شایعه سوزاندن کتابهای ایران و اسکندریه
بدست عرب و مسلمین است که بقول یکی از محققین ماخذ معتبر و اساسی
قدیمتر نداشته و ظاهرا ماخذ قبل از قرن ششم هجری ندارد . این

موضوع نیز مانند صدها منقولات جاری در افواه است که قرن‌ها مثل مسلمات نقل و تکرار شده و کمتر کسی در مقام تحقیق اساسی آنها برآمده تا مآخذ اصلی را بدست آورد و مست و موهوم یا معمول بودن آنها را کشف نماید (۵۶) و بعضی از افراد نیز بعلت اغراض خاصی که داشته‌اند بدون تحقیق به تکرار آنها مبادرت نموده‌اند و دلیل قانع‌کننده‌ای برای اثبات نظر خود ندارند (۵۷).

انواع مختلف کتابخانه در اسلام :

توجه مسلمانان به کتاب به‌عنوان مهم‌ترین وسیله تعلیم و تربیت موجب پیدایش و گسترش کتابخانه‌های مختلف و متعدد در نقاط مختلف جهان اسلام گردید. مهم‌ترین انواع کتابخانه‌ها در جهان اسلام عبارت بود از :

۱- کتابخانه‌های شخصی و خصوصی : احتیاج مبرم دانشمندان و محققین اسلامی به کتاب موجب شده که آنان در درجه اول احتیاجات شخصی خود را با تاسیس کتابخانه شخصی رفع نمایند : الکندی فیلسوف معروف از افرادی است که به تاسیس کتابخانه شخصی معتبری شهرت یافت. این کتابخانه‌های شخصی در مواردی دارای کتابهای قیمتی و فراوان بودند : گاهی رقم کتاب‌های کتابخانه شخصی به هزارها می‌رسید (۵۸ و ۵۹). امراء ، حکام و وزرا نیز به جمع‌آوری کتاب و تاسیس کتابخانه علاقمند بودند زیرا اولاً بدین وسیله احتیاجات علمی شخصی خود را رفع می‌نمودند ، ثانیاً توجه علما و دانشمندان را بخود جلب می‌کردند و ثالثاً درنظر عامه به‌عنوان فضل و شهرت می‌یافتند. خلفا و سلاطین نیز دارای کتابخانه‌های شخصی معتبر بودند .

۲- کتابخانه‌های عمومی : کتابخانه‌های عمومی که در حقیقت میزان توجه عموم به کتاب و معیار سطح فرهنگ و تمدن عامه است در اسلام با سرعت روبه‌فزونی نهاد بطوریکه گاهی در شهرهای درجه ۲ و ۳ کتابخانه‌های معتبر وجود داشت : در زمان یاقوت حموی کتابخانه شهر سوادیه به اندازه‌ای بزرگ و معتبر بود که وقتی امین‌الدوله بن‌التلمیذ (پزشک متوفی ۵۶۶ هـ) از آن دیدن کرد عظمت کتابخانه وی را به تعجب آورد و بالبداهه قلمه شعری در مدح آن سرود (۶۰). در شهر رام‌هرمز در ساحل خلیج فارس کتابخانه‌ای بدست ابوعلی بن‌سوار یکی از اطرافیان عضدالدوله بویسی (متوفی ۳۷۲) تاسیس شد که دارای عظمت فراوان بود (۶۱). از وجود کتابخانه‌های معتبر در این شهرها می‌توان به عظمت کتابخانه‌های عمومی مراکز علمی مانند بغداد ، مصر ، اندلس ، مرو و سایر مراکز پی برد . تعداد کتابهای کتابخانه‌های عمومی در مواردی به « هزار هزار » و بیشتر بالغ می‌گردید (۶۲). کتابخانه‌های عمومی که دارای صدها هزار کتاب بودند در سرزمین‌های اسلامی فراوان بود (۶۳).

در بعضی موارد بعلت عظمت کتابخانه‌های عمومی اداره و نگهداری آنها دارای تشکیلات وسیع بود و سرپرستی را دانشمندان مشهور بعهده داشتند : ابن مسکویه مورخ مشهور و صاحب کتاب تجارب‌الامم سمیت کتابداری کتابخانه عضدالدوله و ابن‌الحمید را بعهده داشت (۶۴). سید مرتضی سرپرست کتابخانه شاپور بن اردشیر در بغداد بود . ابو یوسف اسفراینی (متوفی ۴۹۸) سرپرست کتابخانه نظامیه بغداد بود (۶۵) ابن‌الفوطی مؤلف [مجمع‌الاداب] و [الحوادث‌الجامع] نیز سرپرستی کتابخانه مستنصریه را بعهده داشت (۶۶). از این که سرپرستی کتابخانه‌ها را چنین دانشمندانی بعهده داشتند می‌توان براعتبار و عظمت آن مراکز پی برد .

تشکیلات وسیع بعضی کتابخانه‌ها نیز حکایت از عظمت و وسعت آنها می‌نماید . بعضی کتابخانه‌ها دارای سالن‌های مطالعه ، سالن بحث و مناظره ، خزاین کتاب ، و کلیه وسایل مطالعه و اسباب آسایش خاطر در هنگام مطالعه بودند (۶۲) .

۳- کتابخانه‌های موسسات تحقیقاتی :

از آنجا که در تاریخ تعلیم و تعلم اسلامی یک سلسله موسسات تحقیقی بوجود آمد که کار و فعالیت آنها تنها تحقیق بود و یکی از مهمترین

وسایل تحقیق ، کتاب و کتابخانه بشمار می‌رود این موسسات ، کتابخانه‌های مخصوص تحقیقی برای رفع احتیاجات خود تاسیس نمودند . بعضی از این موسسات عبارت بودند از مؤسسه تحقیقی « بیت‌الحکمه » بغداد ، مؤسسه « دارالعلم یا دارالحکمه مصر » رصدخانه مراغه و مانند این موسسات که در نقاط مختلف جهان اسلام متعدد بودند مخصوصاً در مراکز علمی اندلس

در مورد بیت‌الحکمه که بوسیله هرون‌الرشید تاسیس شد و بوسیله مامون گسترش یافت مطالب فراوان است . آنچه بطور مختصر درباره آن می‌توان در اینجا ذکر کرد آن است که این مؤسسه یک آکادمی علمی یعنی دقیق آموزشی بود و کتابخانه آن از هر نظر یک کتابخانه نمونه علمی بشمار می‌رفت که کتابهای لازم آن از نقاط مختلف جهان جمع‌آوری شده بود . سرپرستی کتابخانه بیت‌الحکمه را فضل‌بن‌تویخت و یوحنا بن‌ماسویه مترجمین معروف در زمان هرون‌الرشید برعهده داشتند و سپس در زمان مامون سرپرستی آن را حنین بن‌اسحق ، یوحنا بن‌بطریق و دیگران بعهده داشتند و در مواردی خود این افراد ماموریت‌هایی را در مورد جمع‌آوری کتب اختصاصی از نقاط مختلف جهان انجام می‌دادند (۶۸). در مورد کتابخانه « دارالحکمه » قاهره نیز مطالب فراوان است . این آکادمی در روز شنبه دهم جمادی‌الآخر سال ۳۹۵ هـ . افتتاح شد و از مراکز تحقیقی معتبر جهان اسلام بلکه جهان آن روز بشمار می‌آمد . کیفیت اداره این آکادمی و کتابخانه آن و کمیت کارکنان و کتابهای آن فوق‌العاده شگفت‌انگیز است . کتابخانه این آکادمی دارای بخشهای اختصاصی متعدد بود : بخش‌های کتب حقوقی ، تفسیر و قرآن ، نجوم و هیئت ، نحو و زبان و ادبیات ، پزشکی و بخشهای دیگر (۶۹) .

بیشتر کتابهای کتابخانه آکادمی تحقیقاتی مراغه را (رصدخانه مراغه) کتب اختصاصی هیئت نجوم و علوم مربوط تشکیل می‌داد . گفته شده است در این کتابخانه چهارصد هزار کتاب وجود داشت (۷۰) . آنچه درباره کتابخانه و آکادمی (رصدخانه) مراغه جالب توجه است و آن را از موسسات تحقیقاتی دیگر اسلامی ممتاز می‌نماید آن است که این آکادمی پس از حمله مغول به جهان اسلام و در دوران رکود آموزش اسلامی تاسیس شد و بوسیله مغول تحت سرپرستی محمد بن محمد بن حسن نصیرالدین طوسی تاسیس گردید . در حقیقت تاسیس رصدخانه مراغه و کتابخانه معتبر آن و جمع‌آوری دانشمندان در آنجا بمنظور تحقیق بوسیله مغول یکی از معجزات علمی اسلام است و نشان می‌دهد که چگونه مغول‌ها که یکی از وحشی‌ترین اقوام بودند و در ابتدا مراکز علمی اسلامی را با خاک یکسان نموده و یزودی شیفته اسلام شده و حتی به نشر علوم در اسلام علاقمند گردیدند . نباید فراموش کرد که مغول‌ها در پرتو اسلام موفق شدند خدمات علمی بزرگی در ایران انجام دهند و مجدداً به احیای معارف اسلام و تمدن ایران اقدام نمایند .

مطالب فراوان جالب در مورد این آکادمی و کتابخانه آن وجود دارد که بیان آنها از تنجایش این کتاب خارج است . محققین علاقمند می‌توانند برای کسب اطلاع بیشتر به کتب مربوط مراجعه نمایند . بهر صورت کتابخانه و رصدخانه مراغه به‌قول لژی در تذکره‌الخطاط یکی از دو کتابخانه معتبر جهان در زمان خود بود (۷۱) و ابن‌الفوطی مورخ مشهور و مؤلف کتب متعدد از جمله الحوادث‌الجامعه سرپرستی آن را بعهده داشت (۷۲) .

۴- کتابخانه‌های مدارس و مراکز آموزشی :

بررسی تاریخ پیدایش مدارس و جدا شدن مراکز علمی از مساجد خود احتیاج به وقت و فرصت فراوان دارد قضاوت در مورد فراوانی تعداد مدارس و مراکز علمی آموزشی در اسلام را که خود از بدیهیات فرهنگ و تمدن اسلامی است بعهده خواننده محقق واگذار می‌نمایم . آنچه را که در اینجا تذکر آنرا ضروری می‌دانیم اینست که چون تعلیم و تعلم بدون کتاب و کتابخانه امکان نداشت طبعاً مدارس و مراکز آموزشی اسلام همه وبدون استثناء دارای کتابخانه‌های معتبر بودند . مدرسه و مرکز علمی ساخته و تاسیس نمی‌گشت مگر آن که احتیاجات مربوط به کتاب و کتابخانه آن مرکز مورد توجه قرار می‌گرفت و رفع می‌شد . مراکز علمی و آموزشی

متعدد جهان اسلامی در بغداد ، ری ، نیشابور ، اصفهان ، طوس ، ماوراءالنهر ، نظامیهها ، مستنصریهها ، مدارس مصر ، اندلس ، سوریه ، عراق و ایران و وجود مدارس علمی اسلامی که هنوز به فعالیت خود ادامه داده‌اند و بررسی کتابخانه‌های وسیع آنها می‌تواند مارا به وجود کتابخانه‌های معظم این مراکز در ادوار گذشته رهبری نماید . در مواردی در همان روز اول افتتاح مدرسه کتابخانه‌های آن نیز افتتاح می‌گردید (۷۲) .

کتابخانه‌های موسسات اختصاصی پزشکی :
توجه اسلام به رفاه عمومی بطور کلی موجب توجه به وضع بیماران از صدر اسلام گردید . استعمال کلمه مارستان برای بیمارستان که یک کلمه فارسی است محتملا حکایت از آن دارد که مسلمین از این نظر تحت تأثیر ایرانیان قرار گرفته‌اند مخصوصا که تقریبا اولین قسمت از معارف اولیه که به اسلام انتقال یافت کتب و علوم پزشکی بود و توسعه دانشهای عظیمی نیز از طریق دانشگاه و بیمارستان جندی‌شاپور صورت گرفت . مسلم آن است که دانشگاه و بیمارستان جندی‌شاپور دارای کتابخانه معتبری بود و بنابراین بعید نیست تاسیس کتابخانه در بیمارستانها نیز از این طریق به اسلام راه یافته باشد .

بهر صورت پس از گسترش اسلام بیمارستانهایی در نقاط مختلف جهان اسلام تاسیس گردید . به عنوان نمونه می‌توان از بیمارستانهای ذیل نام برد :

بیمارستان عبدالدوله بویهی در بغداد در قرن چهارم (۷۴)
بیمارستان نورالدین شهید در دمشق در قرن ششم (۷۵) بیمارستان منصوری قاهره (۷۶) و بیمارستان فلادن در قاهره (۷۷) . این بیمارستانها دارای کتابخانه‌های معتبری بودند . علت تاسیس کتابخانه در بیمارستانها از آن نظر بود که بیمارستانها نعمتها محل معالجه امراض و بیماران بودند بلکه محل آموزش علم پزشکی نیز بشمار می‌رفتند (و این خود حکایت از نهرین عملی در آموزش اسلامی دارد) و بنابراین دانشجویان احتیاج به کتاب و کتابخانه داشتند .

۶- کتابخانه‌های مساجد ، مشاهد متبرکه :

بدون شك همان‌طور که مساجد اولین مراکز علمی و آموزشی به‌و‌ازات محل عبادت ، در اسلام بودند و برای مدت‌ها این موقعیت را به عنوان تنها مرکز علمی و آموزشی حفظ نمودند و بعدا نیز پس از تاسیس مراکز علمی و آموزشی خاصی مانند مدارس ، اکادمیها ، بمواظات آنها موقعیت علمی و آموزشی خود را حفظ کردند اولین محل جمع‌آوری کتاب نیز در اسلام بشمار می‌آید . قبلا یادآوری شد که قرآن‌ها ابتدا در مساجد حفظ و نگهداری می‌گردید و سپس کتب دیگر . در این مورد قبلا در قسمت مربوط به وقف کتاب مطالبی ایراد گردید که آنجا تکرار آن خودداری می‌شود . نمونه‌های کتابخانه‌های معتبر مساجد معظم را می‌توان در کتابخانه مسجد بنی‌امیه دمشق ، و مساجد بزرگ طلیطله ، قرطبه ، غرناطه در اندلس که مورد استفاده مسیحیان و اروپائیان نیز قرار گرفته دانست . پس از مساجد مشاهد متبرکه مانند کتابخانه مسجدالنبی در مدینه ، کتابخانه آستان قدس رضوی را نیز می‌توان نام برد . محتملا کمتر محل زیارت عمومی بود که دارای کتابخانه معتبر نباشد . در بعضی موارد مقابر بزرگان دین در شهرهای کوچک نیز دارای کتابخانه بودند . مراکز دینی تجمع فرقه‌ها و سلسله‌های مختلف نیز دارای کتابخانه بودند ، مانند خاتقاهها ، زاویه‌ها و غیره .

(۱) قرآن سوره اقره آیه ۴ .

(۲) سوره قلم آیه ۱ .

(۳) ابن عبدربه ، الفقدالقرید ، چاپ دوم ، قاهره ، ۱۹۴۸ م ج ۱ ص ۲۰۹ .

(۴) در حدیث دیگر آمده است « اذا مات ابن آدم انقطع عنه عمله الا من لاله ، ولد صالح ، صدیقه جاریه و کتاب ینتفع به » پس از مرگ آنها سه چیز سودمند است ، فرزند شایسته ، صدقه جاریه و کتابی که از آن استفاده شود .

(۵) جاحظ ، کتاب الحیوان ، دمشق ۱۹۶۸ .

(۶) ابن الطقطقی ، الفخری . قاهره ۱۹۲۳ م .

(۷) ابن‌الندیم ، الفهرست ، ص ۹-۱۰ .

(۸) ابن جلول ، طبقات الاطباء ، قاهره ، ۱۹۵۵ م ص ۶۱ .

(۹) ابن‌الندیم ، الفهرست ، قاهره ۱۳۴۸ .

(۱۰) کردعلی ، محمد ، الاسلام والحضاره العربیه ج ۱ ص ۱۷۶ چاپ دوم ، قاهره ۱۹۵۰ م .

(۱۱) همان مرجع ص ۱۷۶ .

(۱۲) قاضی صاعداندلسی ، طبقات الامم ص ۴۷ به نقل محمد باهر حماده ، المكتبات الاسلام ص ۵۶ - ۵۷ .

(۱۳) همان مرجع .

(۱۴) تقی‌زاده ، تاریخ علوم ، فصل دهم ، مجله دانشکده الهیات .

(۱۵) ابن‌ابی‌اصیبه ، طبقات الاطباء ، ج ۲ ص ۱۴۳ .

(۱۶) عباس محمود ، العقاد ، التفتیک فریضه اسلامیه ، قاهره ص ۴۰ - ۴۲ .

(۱۷) احمد قریدلرقاعی ، عصر العمامون ، چاپ چهارم قاهره ۱۹۲۸ ص ۲۷۵ - ۲۷۶ واحد شلی ، تاریخ الدینه الاسلامیه به نقل از ابن‌نیاه مصری روح الفنون ص ۱۶۶ - ۱۶۱ .

(۱۸) ابن جلول ، طبقات الاطباء ص ۶۷ .

(۱۹) ابن‌خلدون ، کتاب العبر ، ج ۴ ص ۱۴۶ ، قاهره ۱۳۲۸ هـ .

(۲۰) ابن‌خلکان ، وفيات الاعیان ج ۲ ص ۴۶۸ به نقل از محمد باهر حماده ، المكتبات فی الاسلام ص ۹۰ .

(۲۱) المقری ، نفع الطیب ، ج ۱ ص ۴۶۳ .

(۲۲) احمد امین ، ظهرا الاسلام ج ۲ ص ۲۲۲ ابن‌انیر ، الکامل فی التاريخ ، قاهره ۱۳۵۳ ، ج ۷ ص ۲۶-۲۷ .

(۲۳) احمد امین ، ظهرا الاسلام ج ۲ ص ۲۳۳ .

(۲۴) ابن‌ابی‌اصیبه ، طبقات الاطباء ج ۲ ص ۱۰۴ ، بیروت ۱۹۵۶ م .

(۲۵) ابن‌الندیم ، الفهرست ، ص ۶۴ . قاهره ، ۱۳۴۸ هـ .

(۲۶) ابن‌خلکان ، وفيات الاعیان ج ۳ ص ۱۳۲ ، قاهره ۱۹۴۸ م .

(۲۷) ابن‌ابی‌اصیبه ، طبقات الاطباء ج ۳ ص ۳۸۶ - ۳۸۷ ، بیروت ۱۹۵۶ م .

(۲۸) رجوع شود به ابن‌الندیم ، الفهرست ، ص ۹ .

(۲۹) رجوع شود به سجستانی ، کتاب المصاحف ، قاهره ، ۱۹۳۶ م ، ص ۱۰۹-۱۰۸ .

(۳۰) یاقوت حموی ، معجم الادبیاء ج ۱۸ ص ۱۷ ، قاهره ۱۹۰۶ م .

(۳۱) مقریزی ، المقطع ، ج ۲ ص ۱۱۹ .

(۳۲) ابن‌الندیم ، الفهرست ص ۹-۱۰ قاهره ۱۳۴۸ هـ .

(۳۳) برای توضیح بیشتر این موضوع رجوع شود به عباس محمود حماده ، التفتیک فریضه اسلامیه ، چاپ مصر .

(۳۴) احمد سلی ، تاریخ التریبه الاسلامیه ص ۱۷۱ .

(۳۵) ابن‌خلکان ، وفيات الاعیان ج ۴ ص ۲۲ - ۲۴ قاهره ۱۹۴۸ م .

(۳۶/۳۷) محمد ماهر حماده ، المكتبات شافی الاسلام ص ۱۲۸ ، چاپ اول ، مؤسسه الرساله ۱۹۷۰ م .

(۳۸) محمد ماهر حماده ، المكتبات فی الاسلام ص ۱۲۸ ، چاپ اول ، مؤسسه الرساله ۱۹۷۰ م .

(۳۹) ابن‌ابی‌اصیبه ، طبقات الاطباء ج ۲ ص ۷۵ ، بیروت ۱۹۵۶ م .

(۴۰) ابن‌تفری بردی ، النجوم الزاهره ج ۴ ، ص ۱۰۱ قاهره ۱۹۴۳ م .

(۴۱) مقریزی ، غلط ، ج ۲ ص ۲۵۴ قاهره ۱۹۶۷ م .

(۴۲) ابن‌خلدون ، کتاب العبر ج ۴ ص ۱۴۶ قاهره ۱۹۸۴ م .

(۴۳) المقری ، نفع الطیب ، ج ۱ ص ۳۹۴ - ۳۹۵ بیروت ۱۹۶۸ م .

(۴۴) شوشتری ، ا . م . مختصر البعالمه الاسلامیه ۱۹۳۸ م بالکلاره .

بقیه نوآوری در شعر و ادب افغانستان امروز

من دگر شعری نخواهم گفت
تا شود روزیکه دستراستی ، دست دگر یابد
تا شود تاهیکه ، شام تیره ما هم سحر یابد .

ای که زیباتر ، ز تو هرگز نخواهد بود !
ای که بهتر از من شاعر نخواهی یافت !
من دگر شعری نمی‌سازم .

چونکه شعرم را بجز از تو ، کس دیگر نخواهد خواند
چونکه شعرم ، گریه درد است
چونکه شعرم ناله و فریاد یل‌مرد است
ای که من بهتر ز تو هرگز نخواهم یافت !
گر توهم خواهی -

تا ترا در زورق تلوپوش شعر خویش بنشانم
تا ترا چون نوروسی ، طرف شهر آسمان رانم
گر تو هم خواهی که یکدم -
بیکر گرم خیالت -
در میان بازوان اشک من رقصند
ای رفیق بهتر از شعرم -

ای عزیزم !

آری دیگر آخرین سوگند من اینست .
بعد ازین اشکی نخواهم ریخت
بعد ازین آهی نخواهم کرد
من دگر شعری نخواهم گفت .

بعد از این در سایه کاج بلند و سرو -
بهترین اشعار زیبای طبیعت حفظ خواهم کرد
بعد از این من شعر خواهم خواند
چونکه هرگز -
هیچ شاعر بهتر از شعر طبیعت -
بهتر از اشعار این شاعر ، نخواهد گفت .

تو بگو ای آنکه باهنگ یک‌شعر صفا ، چون بید می‌لرزی !!
باصفا از بهشت لاجورد آسمانها
برحرارت از شراب داغ خورشید
مستی آورتر ، ز آهنگ نوای نای چوبان ...
رنگ دیگر میتوان یافت ؟
شعر دیگر میتوان گفت ؟
سوی دیگر میتوان دید ؟
و شما ای ناقدان ، گوهر شعرم !
بهترین اشعار من را ، بعد مرگم
از تماس نوله انگشتان سردم
از لبانم -

از لبانیکه چو درب قلعه مطرود بی‌فریاد ، نگوشت
یا بروی کلبه فرسوده این چهره زردم -
نام خواهی بود ..

و تمام عاشقان باده شعرم !

بهترین اشعار من را -
از میان ساغر الماس سبز دیدگاتم نوش خواهند کرد
و تمام دوستدارانم -
ناله‌های این پرستوهای بی‌پر را -
بعد از این تنها -
در میان آسمان سینه من گوش خواهند کرد .

بقیه کتاب و کتابخانه در فرهنگ اسلامی

ص ۱۶۷ نقل از المکتب فی الاسلام ص ۱۳۴ .

(۴۵) ابن القوطی ، الحوادث الجامعه ص ۵۴ .

(۴۶) ابن القوطی ، تلخیص مجمع الاداب ، دمشق ص ۲۸ .

(۴۷) این اتهام برای جبران سرشکستگی صلیبیون بعثت سوزاندن

کتابخانه طرابلس شام که در ۱۰۰۹ م ساخته شده بود صورت گرفت

(محمود ماهر حماده ، المکتب فی الاسلام ص ۲۴) .

(۴۸) مسالك الممالك ص ۹۳ .

(۴۹) تبار ، ج . الفرد ، فتح مصر بوسیله عرب ، ترجمه به‌عربی

بوسیله محمد فرید ابوحدید ، چاپ دوم قاهره ۱۹۴۶ م ص ۲۹۴ - ۳۱۲ .

(۵۰ و ۵۱) تبار ، ج . آلفرد ، فتح مصر بوسیله عرب ، ترجمه

به‌عربی به‌وسیله محمود فرید ابوحدید ، چاپ دوم قاهره ۱۹۴۶ م ص

۲۹۴ - ۳۱۲ .

(۵۲) صفاء ذبیح‌الله ، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۷

چاپ سوم دانشگاه تهران .

(۵۳) ابن‌الندیم ، الفهرست ، چاپ مصر ص ۴۲۰ .

(۵۴) در مورد جعلی بودن داستان سوختن کتابخانه فارس ایران

رجوع شود به تاریخ علوم تقی‌زاده .

(۵۵) موضوع علاقه مسلمانان به کتاب و در نتیجه تاسیس کتابخانه‌های

مختلف و متنوع بوسیله مسلمانان مطلبی است که کتابهای متعدد در

باره آن نوشته شده است و بهتر است برای بررسی مفصل آن رجوع شود

به : محمد ماهر حماده ، المکتب فی الاسلام ، موسسه الرساله ۱۹۷۰

م . ر . س . مالتین کتب و کتابخانه‌های عربی در عهد اموی در مجله امریکائی

زبان و ادبیات سامی بشماره ۵۲ (تموز ۱۹۳۶) .

(۵۶) سیدحسین تقی‌زاده ، تاریخ علوم ، فصل اول ، در مقالات

و بررسیها ، نشریه دانشکده الهیات دفتر دوم ۱۳۴۹ .

(۵۷) ذبیح صفا ، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی چاپ سوم ص ۳۳ .

(۵۸) یاقوت حموی ، معجم الادباء ج ۶ ص ۲۸۵ .

(۵۹) ابن‌الاثیر ، الکامل فی التاریخ ، قاهره ۱۳۵۲ هـ . ج ۷

ص ۲۶ - ۲۷ .

(۶۰) ابن ابی‌اصیبه ، عیون‌الانباء ج ۲ ص ۲۹۳ .

(۶۱) میتریارم ، تمدن اسلام در قرن چهارم هجری ج ۱ ص ۲۴۴ .

(۶۲) مقریزی ، خطط ، ج ۲ ص ۲۵۴ ، قاهره ۱۹۶۷ م .

(۶۳) لستانی ، دائره‌المعارف ، ج ۱۱ ص ۲۴۳ : ابن‌القوطی ،

تلخیص مجمع‌الاداب ، دمشق ، وزارت فرهنگ ص ۲۸ .

(۶۴) ابن‌خلکان ، وفيات‌الامیان ج ۲ ص ۸ .

(۶۵) یاقوت ، معجم‌الادباء ج ۱۷ ، ص ۲۲۷ .

(۶۶) معروف ، ناجی ، تاریخ علماء‌المستنصریه ۲۹۶ - ۲۹۷ .

(۶۷) محمد ماهر ، حماده ، المکتب فی الاسلام ص ۱۴۹ .

(۶۸) ابن‌جلجل ، طبقات‌الاطباء ص ۶۷ ، محمدماهر حماده‌المکتب

فی‌الاسلام ص ۶۲ - ۶۳ .

(۶۹) محمد ماهر حماده ، المکتب فی الاسلام ص ۱۰۱ .

(۷۰) ابن‌القوطی ، الحوادث‌الجامعه ص ۳۵۰ .

(۷۱) معروف ناجی ، تاریخ علماء‌المستنصریه ص ۲۷۰ .

(۷۲) محمد ماهر حماده المکتب فی‌الاسلام ص ۱۴۲ .

(۷۳) ابن‌القوطی ، تلخیص مجمع‌الاداب ، دمشق ، وزارت فرهنگ ،

ص ۲۸ .

(۷۴ و ۷۵) - محمدماهر حماده ، المکتب فی‌الاسلام ص ۱۴۵ .

(۷۶) مقریزی خطط ، ج ۳ ص ۳۲۲ .

(۷۷) فنسک ، دائره‌المعارف اسلامی لندن ، بریل ، ج ۳ ص ۳۶۱ .

۵۵